

مصالحه عادلانه یا...؟!

نوشته دکتر محمود کاشانی

استاد دانشکده حقوق - دانشگاه شهید بهشتی

نوشته‌ای که پس از این مقدمه آمده، در اردیبهشت ماه گذشته برای ریاست مجلس شورای اسلامی، کمیسیون امور خارجه مجلس و وزیر امور خارجه فرستاده شد. در اوائل خرداد ماه جاری، حجة الاسلام آقای موحدی ساوجی با یک تذکر قانونی به رئیس جمهور، خواستار اجرای اصل ۱۳۹ قانون اساسی و رسیدگی به مصالحه دعوی ایران در زمینه سقوط یک فروند هواپیمای ایرباس ایرانی در خلیج فارس از سوی نیروهای نظامی آمریکا شد، و هرگونه مصالحه دولت ایران در خصوص پرداخت غرامت به بازماندگان هواپیمای مسافری ایران را بدون تصویب مجلس فاقد اعتبار دانست که کوتاه شده آن در روزنامه کیهان چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۷۵ منتشر شد. پیرو این تذکر قانونی، پاسخی از سوی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری در روزنامه کیهان پنجشنبه ۱۰ خرداد به چاپ رسید که کوتاه شده آن چنین است:

۳- اینکه مردم از توافق‌ها و شروط آن بی اطلاع مانده‌اند صحیح نیست زیرا مسئولان دفتر خدمات طی مصاحبه‌های متعدد، مراتب را به اطلاع رسانده‌اند که می‌توان به مصاحبه‌های منتشر شده در مطبوعات مورخ ۷۴/۱۲/۵ و نیز ۷۵/۲/۶ مراجعه فرمایند. مستعاباً از سوی حجة الاسلام آقای موحدی ساوجی پاسخ مستدلی به دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی داده شد که در روزنامه کیهان پنجشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۷۵ در صفحه دوم به چاپ رسیده است. از جمله در بند سوم این پاسخ گفته شده است:

«وظیفه دولت و ریاست محترم جمهوری چنین



دکتر محمود کاشانی

ایجاب می‌نمود درباره چنین جنایت بزرگ و آشکارای دولت متجاوز آمریکا، به قانون اساسی و افکار عمومی توجه نموده و طی لایحه‌ای جزئیات شرایط صلح را به مجلس شورای اسلامی تقدیم و پس از بحث و بررسی و آگاهی مردم و نمایندگان ملت، در صورت تصویب مجلس، برابر اصل ۹۴ قانون اساسی برای اعلام نظر شورای محترم نگهبان ارسال می‌گردید.»

نامبرده با توضیحات بیشتر در پایان چنین اعلام کرده:

«همانطور که قبلاً متذکر شدم طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، مصالحه مذکور با آمریکا مانند همه موارد صلح دعوی یا طرف‌های خارجی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و تصویب دولت کافی نیست و تا زمانی که به تصویب مجلس نرسیده باشد فاقد اعتبار است.»

به نظر اینجانب نیز پاسخ‌های دفتر خدمات

حقوقی بین‌المللی، قانع کننده به نظر نمی‌رسند. اصل ۱۳۹ قانون اساسی می‌گوید:

«صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

یکم- اجرای درست اصل ۱۳۹ بدین ترتیب است که متن مصالحه نامه پس از تصویب در هیأت وزیران به موجب یک لایحه قانونی به مجلس تقدیم شود و این لایحه همانند دیگر لوایح قانونی مورد شور و بررسی‌های نمایندگان قرار گیرد و هرگاه به تصویب رسید آن گاه طبق اصل ۹۴ قانون اساسی برای تصویب به شورای نگهبان فرستاده شود و چنانچه مورد تصویب قرار گرفت مانند همه قوانین در روزنامه رسمی منتشر شده و برای اجرا به دولت ابلاغ گردد. اصل ۱۳۹ در موارد دیگری که طرف دعوی خارجی بوده است از جهت ارجاع به داوری به همین شیوه اجرا شده است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- قانون راجع به ارجاع اختلاف ناشی از اجراء و فسخ قرارداد‌های منعقد فیما بین سازمان غله و قند و شکر و چای و چند شرکت آلمانی و انگلیسی- مجموعه قوانین روزنامه رسمی، سال ۱۳۶۰، صفحه ۳۸

ب- قانون اجازه ارجاع اختلافات فیما بین شرکت تراکتورسازی ایران و شرکت میلتراند مونشن، به داوری، مجموعه قوانین روزنامه رسمی، سال ۱۳۶۲، صفحه ۴۲۲ و ۴۲۳

پ- قانون مربوط به ارجاع اختلافات ناشی از موافقت نامه مورخ ۱۳۵۳/۱۲/۴ با کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و... به داوری، مجموعه قوانین سال ۱۳۶۶، صفحه ۱۳۵

بنابراین نظرخواهی از شورای نگهبان در زمینه این مصالحه نامه، به تنهایی بسنده نیست مگر اینکه موضوع از مصادیق اصل ۹۸ یعنی تفسیر قانون اساسی

۱- موافقت نامه‌های مربوط در شورای محترم نگهبان مورد بحث قرار گرفته و با توجه به میزان غرامتی که بابت هواپیمای ساقط شده و ضرر و زیان بازماندگان شهدای فاجعه در نظر گرفته شده است شورای نگهبان، این مصالحه را از مصادیق اصل ۱۳۹ تشخیص نداد.

۲- پیش از دو ماه قبل از اینکه موافقت نامه‌های مربوط امضاء شود، مفاد آنها طی یک گزارش تفصیلی به اطلاع ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و سایر مسئولین محترم کشور از جمله ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است و هرگاه مجلس محترم نظری داشت یا کسب مجوز اصل ۱۳۹ را لازم می‌دانست می‌توانست همان موقع و قبل از امضای موافقت نامه‌ها فوراً اعلام کند اما هیچ مطلبی نفرمودند و لذا بنابر مجوزهای دریافت شده نسبت به امضاء و سپس اجرای موافقت نامه اقدام شده و مبالغ مربوط نیز پرداخت گردیده است.

باشد و حال آنکه اصل ۱۳۹ در این مورد ابهامی نداشته است که نیاز به تفسیر داشته باشد و از شورای نگهبان نیز هیچ نظر تفسیری در مورد این اصل صادر نگردیده است.

دوم- ارسال گزارش مفاد مصالحه‌نامه برای رئیس مجلس شورای اسلامی نیز پاسخگویی نیازهای اصل ۱۳۹ قانون اساسی نیست و اگر رئیس مجلس، پاسخی به این گزارش نداده باعث اسقاط تکلیف دولت در تقدیم لایحه نیست. بدیهی است که رئیس مجلس نیز حق داشته‌اند در انتظار وصول لایحه قانونی از سوی دولت باشند. بنابراین سکوت ایشان، یک مجوز قانونی برای دولت نیست.

سوم- مصاحبه‌های مطبوعاتی مسئولان دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، پس از امضای این مصالحه‌نامه، در رسانه‌ها منتشر شده و به معنی آن نیست که مردم و نمایندگان مجلس در جریان این مصالحه قرار گرفته‌اند.

مردم هنگامی به گونه واقعی از چند و چون این مصالحه آگاه می‌شوند که پیش از امضاء آن، موضوع در مجلس و رسانه‌ها مطرح شود و نمایندگان مردم فرصت اظهار نظر و رسیدگی به مصالحه را به دست آورند. اگر بر اجرای اصل ۱۳۹ قانون اساسی پافشاری می‌شود به دلیل ابهاماتی است که در این مصالحه‌نامه به چشم می‌خورد. دستگاه دولتی نیز نباید به دلیل اینکه مبالغی را با امضای این مصالحه دریافت می‌کند، عظمت حادثه و پی‌آمدهای منفی مصالحه را نادیده انگاشته و فرصت بحث و بررسی را از نمایندگان ملت دریغ کند. اجرای درست اصول قانون اساسی که متضمن احترام گذاشتن به آن و حفظ حقوق مردم است، بالاترین ارزش‌هاست و هیچ چیزی با آن برابری نکرده و نمی‌تواند جای آن را پر کند.

و اکنون با تشریح آنچه در این زمینه گذشته است این به عهده خوانندگان گرامی است که با مطالعه این نوشته و در حد اطلاعات موجود، خود به ارزیابی مسئله پردازند. از سوی دیگر، در آغاز کار مجلس پنجم، بررسی این موضوع بوسیله نمایندگان مجلس می‌تواند معیاری به دست دهد که پنجمین دوره مجلس شورای ملی تا چه حد نسبت به اموری که با رعایت اصول قانون اساسی، و سیاست خارجی کشور ارتباط دارد، حساس است.

●●●●

در اسفند ماه گذشته، و در روزهایی که برگزاری انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی به مراحل حساس، یعنی آغاز تبلیغات انتخاباتی نزدیک شده بود و بیشتر نمایندگان درگیر فعالیتهای انتخاباتی

در حوزه‌های خود بودند و لذا مجلس نیز فعالیت عادی خود را نداشت، خبری در رسانه‌های داخلی و خارجی منتشر شد که برای مردم ایران و بسیاری از مردم جهان دارای اهمیت فراوان بود. به نوشته روزنامه اطلاعات، شنبه پنجم اسفند ماه ۱۳۷۴، سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «آمریکا سرانجام تسلیم دادخواست ایران در مورد سرنگونی هواپیمای ایرباس شده».

می‌دانیم که در ۱۲ تیرماه سال ۱۳۶۷-برابر با سوم جولای ۱۹۸۸- یک فروند هواپیمای مسافری ایرباس ایران ایر، در پرواز از پیش برنامه‌ریزی شده شماره ۶۵۵ و در حالی که طبق برنامه مقرر و منتشر شده از فرودگاه بندرعباس پرواز کرده بود، هدف دو موشک رزمناو هواپیمای آمریکائی وینسنس، قرار گرفت. این حمله موشکی موجب انهدام هواپیما و کشته شدن ۲۹۰ تن از سرنشینان و کارکنان این پرواز شد.^(۱) حادثه در قلمرو حریم هوایی ایران و بر روی آبهای سرزمینی کشور ما رخ داد و بارها صحنه‌های



فیلمبرداری شده جمع‌آوری اجساد قربانیان از روی آبهای خلیج فارس در تلویزیون به نمایش گذاشته شد. مردم میهن ما با اندوه بسیار خیرهای این حادثه تأسفانگیز را از رسانه‌ها دریافت کردند و با کنجکاوای فراوان در انتظار اقدامات دولت در سطح جهانی در مورد این جنایت بین‌المللی بوده و هستند. تجاوزکارانه بودن حمله نظامی به یک هواپیمای مسافری چنان آشکار بود که موجب شگفتی جهانیان و ابراز همدردی با مردم و دولت ایران نسبت به این رویداد دلخراش شد. هنوز خاطره سقوط یک فروند هواپیمای مسافری گره جنوبی در سپتامبر سال ۱۹۸۳ بر فراز جزیره ساخالین در شوروی سابق و امواج بزرگ تبلیغاتی که در آن هنگام از سوی دولتهای غربی علیه دولت شوروی سابق به راه انداخته شد از اذهان عمومی مردم جهان زنده نشده بود که این بار حمله نظامی زنده‌ترین از سوی نیروهای نظامی آمریکا اتفاق افتاد. در آن هنگام، هواپیمای گره جنوبی به دلیل انحراف از مسیر طبیعی پرواز خود، وارد فضای شوروی شده بود. دولت شوروی مدعی شد خلبان هواپیما به خطراتی بی در پی، توجه نکرده بوده

است. با این حال بیست و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان هواپیمائی کشوری برای اظهار نظر درباره این حادثه در سال ۱۹۸۳ برگزار شد. در این اجلاس به ابتکار و پیشنهاد دولت ایالات متحد آمریکا و به اتفاق آراء، تکلیف دولتها در خودداری از به کار گرفتن هرگونه جنگ افزار علیه هواپیماهای کشوری در حال پرواز به رسمیت شناخته شد. ولی این بار، هواپیمای ایرباس ایرانی از فرودگاه بندرعباس پرواز کرده و در حال اوج گرفتن بود که در داخل آبهای ساحلی کشورمان مورد اصابت دو فروند موشک قرار گرفت.^(۲)

به چنین اقدامی از سوی دولت آمریکا که ادعای بی‌طرفی در جنگ ایران و عراق می‌کرده است، هیچ نامی جز خصومت فعال با ایران نمی‌توان نهاد. دولت ایران بسی درنگ پس از حمله رزمناو آمریکائی وینسنس به این هواپیمای مسافری، دادخواستی به شورای سازمان جهانی هواپیمائی کشوری «ایکائو» تسلیم کرد. خواسته‌های دولت ایران چنین بوده‌اند:

۱- اعلام محکومیت حمله و انهدام هواپیمای ایرباس ایرانی در پرواز شماره ۶۵۵ از سوی نیروهای نظامی دولت آمریکا در خلیج فارس.

۲- اعلام صریح وقوع یک جنایت بین‌المللی بر پایه نقض حقوق بین‌الملل و نقض تعهدات قانونی دولت ایالات متحد آمریکا به عنوان یکی از اعضای سازمان جهانی هواپیمائی کشوری.

۳- شناسایی و اعلام صریح مسئولیتهای دولت ایالات متحد آمریکا و درخواست جبران زیانهای معنوی و مادی.

۴- درخواست پایان دادن فوری موانع، محدودیتها، تهدیدهای موجود و پایان بخشیدن به کارگیری نیروی نظامی علیه هواپیمای کشوری در منطقه و از جمله اینکه «ایکائو» از همه سازمانهای ذیربط بخواهد که نیروهای نظامی بیگانه از خلیج فارس بیرون کشیده شوند.

بر پایه مصوبات اجلاس بیست و پنجم مجمع عمومی سازمان هواپیمائی کشوری، خواسته‌های دولت ایران از حقیقت کامل و آشکار برخوردار بود ولی به دلایلی که هنوز روشن نشده است، شورای سازمان هواپیمائی کشوری «ایکائو»، علیرغم تکلیفی که در مورد اعلام محکومیت این حمله نظامی داشت، در واقع باره همه درخواستهای مشروع دولت ایران، و بدون در نظر گرفتن عظمت این حادثه، در تصمیم ۱۷ مارس ۱۹۸۹ خود به یک اظهار تأسف خشک و خالی و یک سلسله ملاحظات کلی بی‌ارتباط به خواسته‌های مشروع دولت ایران بسنده کرد. شگفت‌آورتر این بود که «ایکائو» وقوع این حادثه را: «نتیجه یک سلسله

حوادث و اشتباهات در شناسایی هواپیما دانست که منجر به انهدام اتفاقی هواپیمای ایرانی و از دست رفتن جان ۲۹۰ تن گردیده است و این در حالی است که «ایکاتو» در همین تصمیم، بار دیگر سیاست همیشگی خود را بر محکومیت به کارگیری اسلحه علیه هواپیمای مسافری در حال پرواز اعلام کرده است.

دولت ایران با اعتراض به این تصمیم، دادخواستی با خواسته‌های زیر در ۱۷ مه ۱۹۸۹ به دیوان بین‌المللی دادگستری تسلیم کرد:

۱- تصمیم «ایکاتو» اشتباه است از این رو که دولت ایالات متحده آمریکا با اقدام نظامی و منهدم ساختن هواپیمای ایرانی و گرفتن جان ۲۹۰ تن، در حقیقت مندرجات کنوانسیون سال ۱۹۴۴ شیکاگو را نقض کرده است.

۲- دولت آمریکا، مواد ۱ و ۳ و ۱۰ (۱) کنوانسیون سال ۱۹۷۱ مونترال را نقض کرده است.

۳- دولت آمریکا، مسئولیت پرداخت خسارت به دولت جمهوری اسلامی ایران را بر پایه مالیاتی که از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری تعیین گردد و بر پایه صدمات وارد شده به دولت ایران و خانواده‌های سوگوار بر اثر نقض این تعهدات بین‌المللی و از جمله زبانه‌های اضافی که شرکت ایران ایر و خانواده‌های سوگوار از جهت قطع فعالیت‌های آنان متحمل شده‌اند به عهده دارد.

بدین ترتیب ادعای دولت ایران که در اینجا به گونه کوتاه ذکر شد، در درجه اول اعلام محکومیت دولت آمریکا به دلیل نقض قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی و سپس اعلام مسئولیت این دولت بر جبران خسارات گسترده ناشی از این حمله خلاف حقوق انسانی و مخالف حقوق بین‌المللی بوده است. نخستین جلسه رسیدگی به این دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری برای ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۴ (۲۱ شهریور ماه ۱۳۷۳) تعیین شد. این جلسه یکماه پیش از برگزاری آن، در ۲۰ مرداد ماه ۱۳۷۳ با موافقت دولت ایران و دولت آمریکا به تعویق افتاد تا آنکه پس از انجام مذاکراتی توافقاتی بدست آمد و در ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ (سوم اسفند ۱۳۷۴) مصالحه نهایی امضاء شد و دعوی از دستور کار دیوان خارج گردید. آقای دکتر افتخار جهرمی سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در مصاحبه خود با رسانه‌ها اعلام داشته است که:

«چون دولت آمریکا خود را در برابر خواسته‌های

مجلس شورای اسلامی و صلاحیت انحصاری بررسی مصالحه دعوی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری ۷ سال پس از حمله موشکی به ایرباس ایرانی

دولت ایران، از نظر حقوقی و سیاسی در موقعیت مناسبی نمی‌دید مدتی قبل از تشکیل جلسه رسیدگی، به دعوی ایران تسلیم شد و اعلام آمادگی کرد خسارات وارده را بپردازد.

پرسش بنیادین

اکنون پرسش‌هایی مطرح شده است که در این اظهارات کوتاه سرپرست دفتر خدمات، پاسخ روشنی برای آنها نمی‌توان یافت. بناره‌ای از این پرسش‌ها از این قرار است:

یکم: در شرایطی که دولت آمریکا به گونه مستمر، دولت ایران را به دست داشتن در اقدامات تروریستی متهم می‌سازد و این تبلیغات به هنگام انفجار مرکز فرهنگی جامعه یهودیان در بوئنوس آیرس در ۱۸ ژوئیه سال ۱۹۹۴ (۲۷ تیر ماه ۱۳۷۳) به نقطه اوج خود رسیده بود، چرا دفتر خدمات، درست در هنگام طوفان تبلیغاتی آمریکا به دست داشتن ایران در این حادثه، به جای پی‌گیری دعوی قوی و موجه دولت ایران در زمینه اقدام غیرقابل توجه دولت آمریکا در هدف قرار دادن یک هواپیمای مسافری، درخواست توقف رسیدگی به این دعوی را از دیوان بین‌المللی کرده است؟ حتی اگر پس از وقوع این حمله به یک هواپیمای مسافری، دولت آمریکا رفتار دوستانه‌ای را با دولت ایران در پیش گرفته بود متوقف ساختن رسیدگی به این دعوی، پیش از دستیابی به همه هدفهای آن به مصلحت کشور نبود. حال هنگامی که دولت آمریکا به ناروا ایران را به دست داشتن در حادثه انفجار مهیب در یک کشور خارجی متهم می‌کند متوقف ساختن رسیدگی به دعوی مربوط به اقدام ناجوانمردانه دولت آمریکا چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ شگفت‌انگیزتر این است که سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در ۲۰ مرداد ۱۳۷۳ با نماینده دولت آمریکا توافق در تعویق نامحدود رسیدگی به دعوی ایران در دیوان بین‌المللی را کرده

است ولی در ۱۱ تیر ماه ۱۳۷۴ و در سالگرد این رویداد، از کارشکنی‌های دولت آمریکا در رسیدگی به این پرونده کلابه می‌کند. (۳)

دوم: آیا دولت آمریکا در این مصالحه به تخلف از قوانین بین‌المللی و نقض کنوانسیون‌های شیکاگو و مونترال که هر دو دولت ایران و آمریکا سالها پیش به آن پیوسته‌اند و موضوع بندهای یک و دو دعوی دولت ایران بوده، تسلیم شده است یا نه؟ اگر ادعای سرپرست دفتر خدمات حقوقی درست است و

دولت آمریکا به این بخش از دعوی دولت ایران نیز تسلیم شده است چرا در رسانه‌های کشور و از سوی مسئولین بلند پایه هیچ اشاره‌ای به این موقعیت نمی‌شود تا موجبات خشنودی و خرسندی مردم ایران در دستیابی به یک حق مشروع و عادلانه فراهم گردد و اگر چنین نیست، چرا و چگونه یک مسئول دولتی ایرانی به خود اجازه می‌دهد با غافل‌نگه داشتن مردم، چنین سخن خلاف واقعی را در رسانه‌های داخلی و خارجی اعلام کند. به گزارش صدای آمریکا، دولت آمریکا با رد این ادعا، تنها پرداخت‌هایی را به خانواده‌های کشته‌شدگان این حادثه پذیرفته است. همچنین به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در چهارم اسفند ۱۳۷۴، نیکلاس برنز، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته است:

«ریگان رئیس جمهور آمریکا به هنگام سرنگون شدن این هواپیما، پیشنهاد پرداخت خسارت به خانواده‌های سرنشینان این هواپیما را کرده بود. طرح دعوی از سوی دولت ایران در دیوان بین‌المللی، مانع از اجرای این پیشنهاد شد ولی اکنون با انجام این مصالحه این پرداختها انجام می‌شود.»

بدین ترتیب دولت آمریکا از پذیرفتن مسئولیت در زمینه نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی و تسلیم به دعوی ایران خودداری کرده است. مجلس شورای اسلامی باید با بررسی متن این مصالحه، دلایل این دوگانگی در اظهارات مسئولین ایرانی و آمریکایی را بررسی کرده و واقعیت را روشن کند.

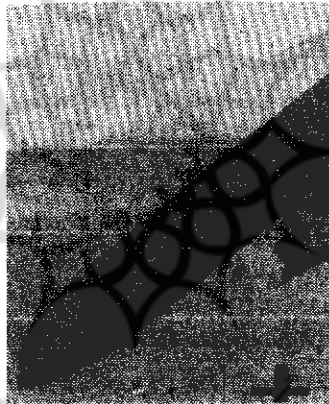
سوم: اگر با انجام این مصالحه، دعوی ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری که ارکان قضائی سازمان ملل متحد و بزرگترین مرجع قضائی در جهان کنونی است پس گرفته شده است، چه مرجعی باید به تخلف آشکار و نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی از سوی دولت آمریکا رسیدگی کند. اگر سرپرست دفتر خدمات حقوقی، دعوی ایران را از دیوان بین‌المللی پس گرفته باشد معنی آن این است که دولت ایران به

تصمیم ظالمانه ۱۷ مارس شورای سازمان هواپیمایی کشوری «ایکائو» راضی گردیده و همین تفسیر نارواری برای توجیه این اقدام مخالف حقوق بین‌المللی دولت آمریکا و رویداد غم‌انگیز از دست رفتن جان ۲۹۰ تن از انسانهای بی‌گناه کافی دانسته است. و این در حالی است که آدمیرال کرا، (Craw) مقام بلند پایه ارتش آمریکا، بعداً در سال ۱۹۹۲ با اظهارات روشن خود به وقوع حادثه در آبهای سرزمینی کشور ما و غیر قابل توجیه بودن حمله نظامی از سوی ناو آمریکایی وینسنس به یک هواپیمای مسافری اعتراف کرده است. این حقیقت نیز روشن شده است که رزمناو آمریکایی وینسنس، هنگامی که ایرباس ایرانی را در تاریخ سوم جولای ۱۹۸۸ سرنگون ساخت کاملاً در داخل آبهای سرزمینی ایران بوده و همان روز مبادرت به ورود و خروج از آبهای ایران می‌کرده است. (۴) سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در گفتگوی خود با رسانه‌ها تصریح می‌کند که دولت آمریکا خود را در برابر این دعوی از نظر حقوقی و سیاسی در موقعیت مناسبی نمی‌دیده است، بنابراین چرا دعوی قوی، موجه و عادلانه دولت ایران را پس گرفته و به تصمیم ناعادلانه «ایکائو» رضایت داده است.

چهارم: بند سوم ادعاهای دولت ایران، اعلام مسئولیت دولت آمریکا به پرداخت خسارت به دولت ایران برای جبران زیانهای مادی و معنوی خانواده‌های سوگوار و شرکت ایران ایر می‌باشد. این ادعا خواه از جهت منهدم ساختن هواپیما و یا خسارات مادی و معنوی ناشی از کشته شدن سرنشینان هواپیما، متعلق به دولت ایران است. به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صلح دعاوی راجع به امسوال عمومی و دولتی هنگامی که طرف دعوی خارجی است باید به تصویب مجلس برسد. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی چگونه به خود اجازه داده است مبلغ خسارات واقعی دولت ایران را که باید از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری با در نظر گرفتن اوضاع و احوال ویژه این حادثه و رویه‌های بین‌المللی تعیین گردد، به تصمیم خود و بدون رعایت نص صریح اصل ۱۳۹ تعیین و مورد مصالحه قرار داده و چنین مصالحه‌ای را بدون تصویب مجلس امضاء کند؟ پنجم: دولت آمریکا در این مصالحه با رد خواسته مشروع دولت ایران که مالک اصلی این دعوی است از پذیرش مسئولیت در برابر دولت ایران خودداری کرده و به دعوی ایران تسلیم نشده است. خواسته دولت ایران این بوده است که دیوان بین‌المللی دادگستری، دولت آمریکا را به دلیل ارتکاب یک عمل مخالف

حقوق بین‌الملل به پرداخت خسارت به دولت ایران محکوم سازد و دولت ایران نیز پس از دریافت خسارت، زیانهای خانواده‌های قربانیان را بر پایه تصمیم دیوان بین‌المللی پرداخت خواهد کرد. این موضوع چنان روشن و قطعی بوده است که سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در گفتگوی خود با واحد مرکزی خبر در ۱۱ تیرماه ۱۳۷۴ گفته است:

«پیشنهاد پرداخت غرامت از سوی آمریکا به بازماندگان برخی قربانیان فاجعه ۱۲ تیرماه [۱۳۶۷]، نوعی تلاش برای کاهش جو عمومی علیه آن کشور است. آمریکا برای این که در دادگاه صالحه مجرم شناخته نشود، حاضر است غرامتی را به عنوان صدقه بپردازد تا بتواند پرونده را مسکوت گذارد. آقای افتخار جهرمی تأکید کرد، پرداخت هرگونه خسارت به بازماندگان قربانیان فاجعه سرنگون شدن ایرباس ایرانی، باید براساس نظر دیوان بین‌المللی لاهه باشد که معنای این عمل، محکوم شدن آمریکا در این جنایت است.»



این سخنان هنگامی در رسانه‌های داخلی پخش شده‌اند که یک سال پیش از آن سرپرست دفتر خدمات با نماینده دولت آمریکا توافق کرده است دیوان بین‌المللی دادگستری رسیدگی به این پرونده را متوقف سازد و این نشان‌دهنده دوگانگی کامل در حرف و عمل است.

اکنون با استرداد دعوی قوی، موجه و دنیا پسند دولت ایران از دیوان بین‌المللی و بی‌آنکه حکمی از سوی دیوان در محکومیت دولت آمریکا صادر شده باشد نه تنها جو عمومی فشار علیه دولت آمریکا از میان می‌رود و دولت ایران از دعوی بر حق خود صرف‌نظر می‌کند، بلکه به موضع اولیه دولت آمریکا نیز رسمیت می‌دهد. نیکلاس برنز، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا پیرو اعلام این مصالحه می‌گوید:

«اگر دولت ایران به دیوان بین‌المللی لاهه

شکایت نکرده بود و قضایا را کش نداده بود، غرامت خانواده‌های ایرانی، سالها پیش پرداخت شده بود. مقامات ایران در آن زمان گفته بودند که مردم ایران خون‌بها و صدقه از آمریکا نمی‌خواهند.

ششم: از سوی دیگر، موضع دولت آمریکا این بوده است که چون به دولت ایران اعتماد ندارد، غرامت را بایستی مستقیماً به خانواده‌های ایرانی بپردازد. در این راستا به گزارش صدای آمریکا و به گفته سخنگوی وزارت خارجه این کشور، مبلغ تقریباً ۶۲ میلیون دلار در بانک یونیون سونیس به یک حساب مشترک به نام فدرال رزرو نیویورک (کارگزار مالی دولت آمریکا) و بانک مرکزی ایران سپرده خواهد شد. پرداخت غرامت به خانواده‌های ایرانی با دستور مشترک سفارت سونیس در تهران که حافظ منافع دولت آمریکا است و دفتر خدمات حقوقی انجام خواهد شد. چنین روشی هرگز به معنی تسلیم شدن دولت آمریکا به دعوی ایران و یا حتی مواضع دولت ایران نیست.

در زمینه خسارات مربوط به منهدم ساختن هواپیمای ایرباس ایرانی، به گفته سرپرست دفتر خدمات حقوقی، مبلغ ۴۰ میلیون دلار از سوی دولت آمریکا به ایران پرداخت می‌شود. در حالی که بر پایه این مصالحه، قرار است وجوهی به حساب تضمینی در بانک مرکزی هلند واریز شود. موجودی این حساب به منظور پرداخت ادعاهای اتباع دولت آمریکا و احکامی که از سوی دیوان داورای ایران و آمریکا، علیه دولت ایران در چهارچوب بیانیه‌های الجزایر مورخ دی ماه ۱۳۵۹ صادر می‌شوند مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در این مورد نیز از جهت تعیین میزان خسارت، اصل ۱۳۹ قانون اساسی رعایت نشده و از جهت ضرورت صدور حکم به مسئولیت دولت آمریکا به پرداخت خسارت به دولت ایران، مستدرجات دادخواست و نیز اصل ۵۳ قانون اساسی ایران نادیده گرفته شده است.

هفتم: در همین مورد نیز امتیاز دیگری برای دولت آمریکا در نظر گرفته شده است. پیش از این، هرگاه مصالحه‌ای در زمینه ادعاهای اتباع دولت آمریکا انجام شده است، دولت ایران و جوه مورد توافق را در اختیار دولت آمریکا گذارده و این دولت به هر ترتیبی که خود صلاح دانسته این وجوه را میان اتباع خود تقسیم کرده است. همچنین احکام دیوان داورای ایران و آمریکا بدون هیچ گونه کنترلی از سوی دولت ایران، از محل حساب تضمینی که موجودی آن متعلق به دولت ایران است پرداخت می‌شوند. با در نظر گرفتن

اینکه سالهاست دعوی اشخاص و شرکتهای آمریکایی پایان یافته و این دیوان اکنون سرگرم رسیدگی به ادعاهای اشخاص دارنده تابعیت مضاعف ایرانی و آمریکایی علیه دولت ایران است، با نتیجه ناپسند دیگری روبرو هستیم. دولت ایران در زمینه پرداخت خسارت به اتباع ایرانی که در سایه چتر حمایت دولت آمریکا در این دیوان داوری علیه دولت ایران طرح دعوی کرده‌اند هیچ کنترلی ندارد و تصمیم‌های غیرعادلانه این دیوان علیرغم ناخشنودی دولت ایران، از محل حساب تضمینی متعلق به ایران پرداخت می‌شوند. دولت ایران حتی خود را ناگزیر دانسته است که بهای هواپیمای ایرباس سرنگون شده ایران ایر را به این حساب تضمینی واریز کند. ولی دولت آمریکا در این مصالحه، کنترل کامل خود را بر وجوهی که قرار است به عنوان خسارت به خانواده‌های قربانیان پرداخت کند حفظ کرده و این وجوه را زیر نظر خود در بانک یونیون سونیس واریز کرده است و در صورتی که اشخاص معرفی شده از سوی دولت ایران را به عنوان وارث قربانیان به رسمیت نشناسد می‌تواند از پرداخت خسارت جلوگیری کند.

ودلایل دیگر...

و در پایان، این حقیقت را باید در نظر داشت که در این دعوی نه تنها ورود خسارت مادی و معنوی به دولت ایران و بازماندگان مطرح است بلکه حیثیت کشور ما و مسائل مهم سیاسی و دفاع از حاکمیت کشور مطرح می‌باشد. مردم ایران به حق انتظار دارند صدمه شدیدی که از طریق حمله نظامی به یک هواپیمای مسافربری به حیثیت کشور ما در صحنه جهانی وارد شده است جبران شود. مصلحت سیاسی کشور ما نیز ایجاب می‌کند با ادامه حضور نیروهای بیگانه در خلیج فارس و در شرایطی که به دلیل تکرار رهگیری هواپیماها و کشتنهای ایرانی در این آبراه حساس به مراجع بین‌المللی شکایت می‌گردد با پیگیری این دعوی و صدور حکمی از یک مرجع بین‌المللی به احتمال تکرار چنین حوادثی پایان داده شود. سرانجام اینکه تجاوز به حریم هوایی و حاکمیت کشور و ساقط کردن یک هواپیمای مسافربری و کشته شدن ۲۹۰ تن، حادثه کوچکی نبوده است که دولت ایران بدون اطلاع و تصمیم مجلس، آن را با چنین شرایطی به مصالحه کشاند.

آقای ناطق نوری در سخنان پیش از دستور خود در نخستین جلسه پس از تعطیلات نوروزی مجلس در ۱۴ فروردین ۱۳۷۵ اعلام کرد در دوره‌ای که مجلس

تعطیل بود حادثه‌ای در سطح سیاست خارجی روی داد. ایشان سپس به حکم دادگستری آلمان علیه یکی از مقامات عالی‌رتبه دولت ایران اشاره نمودند. انتظار می‌رفت به این مصالحه حساس نیز که در روزهای تعطیلی مجلس اعلام شد و تصمیم‌گیری درباره آن به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی در صلاحیت انحصاری مجلس شورای اسلامی است توجه شود و موضوع در دستور کار مجلس قرار گیرد. توجه داشته باشیم خبر توافق در موضوع مورد بحث زمانی اعلام شد که مجلس چهارم به دلیل برگزاری انتخابات در کشور فعالیت چندانی نداشت و در روزهای واپسین نیز بیشتر درگیر مسائل ناشی از نتایج انتخابات بود و توجهی به این موضوع نشان نداد. هیچ روشن نیست پس از یک سال و نیم تعلق و توقف رسیدگی به این دعوی در دیوان بین‌المللی، چرا چنین هنگامی را برای انجام و اعلام این مصالحه برگزیده بودند.

مردم ایران با وجود همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود، تجاوزکارانه بودن حمله نظامی به یک هواپیمای مسافربری و کشته شدن ۲۹۰ تن سرنشینان بی‌گناه آن را فراموش نمی‌کنند. پیامدهای این مصالحه به سرنوشت مردم کشورمان نیز محدود نیست. بسیاری از مردم آزاداندیش جهان در انتظار یک رسیدگی عادلانه به دعوی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری هستند و تأمین امنیت پروازهای هواپیماهای کشوری در سراسر جهان به دور از درگیری‌های سیاسی و نظامی میان کشورها مورد توجه همگان می‌باشد. همانگونه که یکی از حقوق‌دانان برجسته فرانسوی و عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل گفته است:

«دیوان بین‌المللی دادگستری نشان داده است آمادگی آن را دارد در صورتی که دولتها این امکان را به آن بدهند، مأموریتی را که به آن گذار شده است به خوبی انجام دهد.»

چرا دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ایران که مأموریت پیگیری این دعوی را دارد، این امکان را به این دیوان نداده است تا دعوی قوی و موجه دولت ایران را که در تاریخ حقوق بین‌الملل استثنائی است مورد رسیدگی و حل و فصل قرار دهد. به ویژه آنکه، فزاینده از خواسته‌های مشروع دولت ایران، انتظار می‌رود دیوان بین‌المللی دادگستری هنگامی که در ماهیت دعوی اظهار نظر می‌کند، با تصمیم آمرانه و بسیار پربر و آموزنده خود، نکات بسیاری را در زمینه استفاده غیرقانونی از زور در روابط بین‌المللی روشن ساخته و پشتوانه استواری برای حمایت از ملت‌های جهان سوم به وجود آورد.

ملت ایران نیز باید بدانند آیا قانون اساسی کشور ما یک نوشته تزئینی است و مجلس ایران یک دستگاه تشریفاتی است یا آنکه مجلس بر طبق قانون اساسی وظایفی دارد که در جهت حفظ حقوق مردم ایران باید به نحو احسن انجام دهد. زیر پا گذاردن اصول قانون اساسی و صدمه زدن به حیثیت کشور، جریحه‌دار کردن غرور ملت ایران است.



۱- به گفته مدیرعامل ایران ایر: «هفت سال پیش در روز ۱۲ تیر ماه، هواپیمای ایرباس هم‌ما با ۲۹۰ سرنشین شامل ۱۶۹ مرد، ۵۶ زن، ۵۷ کودک، ۲ تا ۱۲ سال و ۸ کودک زیر ۲ سال در آرامش یک پرواز بین‌المللی که به اتکای حقوق عمومی بین‌المللی و قوانین هواپیمایی، از امنیت کامل برخوردار بوده و عازم سفر از بندرعباس به دبی بود مورد اصابت موشک ناوویسنس آمریکا قرار گرفت» روزنامه اطلاعات ۱۲ تیر ۱۳۷۴

۲- به گفته مدیرعامل هما، «این هواپیما طبق ضوابط و قوانین بین‌المللی، در حال اوج‌گیری و دور شدن از ناو ویسنس و در کریدورهای مصوب هوایی بوده است و براساس برنامه منظم هفتگی که از ۶ ماه قبل از آن اعلام و در تمامی نشریات ذریبط بین‌المللی درج و از اطلاعات مقاماتی و اولیه موجود در ناو ویسنس آمریکا بوده است...» روزنامه اطلاعات، ۱۲ تیرماه ۱۳۷۴

۳- به گزارش واحد مرکزی خبر:

«با گذشت ۸ سال از فاجعه سرنگون شدن هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران توسط ناو آمریکایی «ویسنس» در خلیج فارس، کارشناسی‌های آمریکا، جریان رسیدگی به پرونده مربوط به این جنایت را با کندی زیرپا کرده است. آقای گودرز افشار جمهوری سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و نماینده کشورمان در دیوان بین‌المللی لاهه در گفتگو با واحد مرکزی خبر با اعلام این مطلب افزود: شکایت ایران درباره سرنگون شدن هواپیمای مسافربری ایرباس توسط آمریکا، در حال حاضر در دیوان بین‌المللی لاهه مطرح است، اما به دلیل اینکه دولت آمریکا این دیوان را برای رسیدگی به پرونده جنایت نیروهای آمریکایی به کندی پیش می‌رود. وی افزود: دولت آمریکا به جای این که به شکایت ایران در ماهیت موضوع پاسخ دهد، به روش‌های گوناگون، سعی در مسکوت گذاردن این موضوع دارد که طرح صلاحیت نداشتن دیوان بین‌المللی لاهه از آن جمله است. می‌توان گفت دیوان بین‌المللی لاهه نیز که یک تشکیلات زیر نظر سازمان ملل است، پذیرفته است که قبل از هر چیز به صلاحیت خود رسیدگی کند. روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۷۴.

۴- جان باری و راجر چارلز، «دربانی از دروغ- گزارش ویژه نیوزویک ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۲، روزنامه اطلاعات، ۲۹ آذرماه ۱۳۷۳.